

معلوم است که همه ما او را می‌شناسیم؛ او را که سال‌ها گمنام و بی‌توقع خدمت کرد. وقتی لازم بود، به پاسداری از مرزهای کشور عزیزمان مشغول شد، و زمانی دیگر وقتی ستمکاران به خلق و پرورش قهرمان‌های دروغ‌پرداز و بی‌رحمی چون «گروه داعش» پرداختند، بی‌آنکه خیلی از ما بدانیم، با مردم و جوانان همین سرزمین به جنگ آن‌ها رفت و سال‌ها بعد با افتخار دستش را بالا آورد و گفت: «پایان داعش را اعلام می‌کنم.»



آنهایی که این سردار را از نزدیک می‌شناختند، می‌دانند که او هیچ وقت خود را اسیر پست و مقام و لباس نکرد. تنها لباسی که دوست داشت، رنگ خاک داشت. چون می‌دانست آنچه از هر انسان باقی می‌ماند، عمل خوب و بد اوست.

با هم مختصری از زندگی این سردار را مرور می‌کنیم. امیدوارم هر کدام از ما بتوانیم با سعی و تلاش و توکل به خدا، سردار قاسم سلیمانی دیگری برای کشور عزیزمان باشیم.

سردار شهید حاج قاسم سلیمانی ۲۰ اسفندماه سال ۱۳۳۵، در روستای «قنات ملک» از توابع شهر کرمان، چشم به جهان گشود. وی پس از اخذ دیپلم به شغل بنایی مشغول شد و بعدها فعالیت خود را به عنوان پیمانکار در اداره آب کرمان آغاز کرد. بعد از انقلاب اسلامی ایران، عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد و هم‌زمان با شروع جنگ ایران و عراق، چند گردان را در کرمان آموزش داد و به جبهه‌ها فرستاد. وی در دوره‌ای فرماندهی سپاه آذربایجان غربی را بر عهده داشت. شهید حاج قاسم سلیمانی در سال ۱۳۶۰ با حکم فرمانده وقت سپاه پاسداران، به عنوان فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله منصوب شد. وی در جنگ بعث عراق علیه ایران، از فرماندهان عملیات‌های والفجر ۸، کربلای ۴ و کربلای ۵ بود. عملیات کربلای ۵ از مهم‌ترین عملیات‌های ایران در دوران جنگ بود که موقعیت سیاسی و نظامی ارتش بعث را ضعیف کرد.

سردار سلیمانی بعد از پایان جنگ ایران و بعث عراق در سال ۱۳۶۷ به کرمان بازگشت و درگیر جنگ با اشرازی شد که از مرزهای شرقی ایران هدایت می‌شدند. شهید سلیمانی تا قبل از انتصاب به فرماندهی سپاه قدس، با باندهای قاچاق مواد مخدر در مرزهای ایران و افغانستان می‌جنگید. او در بهمن سال ۱۳۸۹ از سوی آیت الله خامنه‌ای، فرمانده کل قوای نظامی ایران، به درجهٔ سرلشکری که بالاترین درجهٔ نظامی ایران است مفتخر شد.

سردار قاسم سلیمانی از فرماندهان مبارزه علیه داعش در عراق و سوریه بود. داعش گروهی جعلی بود که به نام اسلام دست به جنایات فجیعی می‌زد. ایران برای حفظ امنیت و کنترل منطقه، مبارزه با این گروه را آغاز کرد. نیروهای تحت فرمان سردار قاسم سلیمانی، از جمله «لشکر فاطمیون» و «تیپ زینبیون» برای مبارزه با داعش و نیروهای شورشی راهی سوریه شدند. شرح جان فشانی‌های سردار قاسم سلیمانی و یارانش در یک یا چند صفحه نمی‌گنجد. اما همان‌طور که همهٔ مردم جهان و شما نوجوانان عزیز می‌دانید، فعالیت‌های سپاه قدس ایران در کنار دیگر مبارزان ضد گروه‌های وحشت افکن (تروریستی) در نهایت سبب شد داعش در کشورهای عراق و سوریه نابود شود.

دشمنان بزرگ اسلام و کشور عزیز ما که از شکست قهرمان‌های پوشالی‌شان خشمگین و در عین حال شگفت‌زده شده بودند، برای متوقف کردن خدمات و فعالیت‌های این سردار بزرگ و یارانش عاقبت به نیرنگ متوسل شدند. بامداد جمعه ۱۳ دی ماه ۱۳۹۸، در حملهٔ موشکی پهنادهای آمریکایی به خودروی آن‌ها، در اطراف فرودگاه بغداد، سردار قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس، و ابومهدی المهندس، معاون حشدالشعبی و تنی چند از اعضای حشدالشعبی را به شهادت رساندند؛ غافل از آنکه هر نوجوان ایرانی یک سردار سلیمانی است. یادمان باشد برای اینکه هر کدام یک سردار سلیمانی باشیم، باید روح اسلامی و اعتقاد به مبارزه با ظلم و ستم را در خودمان تقویت کنیم و در پرورش آن بکوشیم.

بیشتر بخوانیم

خاطراتی کوتاه از زندگی سردار شهید سلیمانی

این کتاب دربارهٔ زندگی حاج قاسم سلیمانی و خاطراتی است که از وی به‌جامانده. در بخش نخست، زندگی‌نامهٔ او به‌طور مختصر آمده است. سپس مطلبی دربارهٔ رابطهٔ حاج قاسم با برادرش و بعد از آن، کارکردن او در هتلی در کرمان برای کسب درآمد شرح داده شده است. در بخش‌های بعدی، مطلبی دربارهٔ ازدواج او، رابطه‌اش با پدرش و جانبازان ارائه شده است. سردار در سیزده دی‌ماه ۱۳۹۸ در فرودگاه بغداد، بر اثر اصابت موشک‌های آمریکایی به شهادت رسید.

نویسنده:

سید ابراهیم بنی‌هاشمی

سال چاپ: ۱۴۰۰

ناشر: ضریح آفتاب

تلفن: ۰۵۱۳۲۲۳۲۶۷۵

